

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
۱۵ فیروزی ۲۰۱۴

راهِ حکومتداری!!

نظری به یادداشت‌های گذشته، که مطلبی از آن به نام "شعری از گذشته" در صفحه تاریخی ۵
فیروزی ۲۰۱۴ پورتال محبوب "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" انتشار یافت، مرا بر آن داشت
تا با مرور مکرر در یادداشت‌ها مطالب دیگری هم، جست و جو نموده و بدست نشر بسپارم.
اینک شعری انتقادی که نظر به شرایط محدود زمان، امکان نشر آن در آن دوران میسر نبود،
تقدیم دوستان می‌گردد :

عاقلی خودگذری، از در صحبت با شاه	گفت ای شاه، به قومی که توئی سردارش
خاندان تو به هر گوشه حکومت دارد	خاکش افکنده ای در دیده و در پا خارش
پور کاکای تو بر قوم، رئیس الوزراست	خود کاکای تو گـرـدیـده سپهسالارش
پُست حساس حکومت به کف اقوامت	نیست سِرّی که سَرّی نیست ترا در کارش
نه وزیری که خود از توده مردم باشد	نه وکیلی که به کاری برسد افکارش
پای این قوم به گودال جهالت بند است	نیست مردی، که بگویند کسی هشيارش
معرفت راه نکرده ست به مغز مردم	چه سِر است اینکه نئی باخبر از اسرارش
باید آخر غم این ملت عاجز خوردن	تا فلکخیز شود چون دگران افکارش
تا به کی بذر نفاق است میان مردم	تا به کی جنگ مذاهب بدهد آزارش
تا کی از جهل، به تحریک اجانب این قوم	بهم آویزد و تو، نام دهی اشرارش

آخرین قوم به گرداب جهالت گم شد کاش! از فیض معارف بکنی بیدارش
شه بخندید و به او گفت که ای توندزبان هرکه داند به سیر کار خود و آسارارش
مشعل دانش اگـر رهبر مردم گردد مشکل افتد که شود مدّ نظر رفتارارش
جهل مردم سبب راحت و آرامی ماست نشنیدی مگر از شاعری، در اشعارش؟؟
که چه زیبا سخنی گفته به دولتمردان
"طفل کی گریه کند، تا نکنی بیدارش"

(م. نسیم "اسیر" - کابل عزیز، ۷ حوت ۱۳۳۶ش)